

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

جمعه ۲۲ می ۲۰۲۰

حمید انوری

"خر، همان خر است، فقط پالانش نو شده است"

عنوان بالا ضرب المثل زیبای کشور آبائی ما، افغانستان عزیز است که شاید سابقه چندین هزار ساله داشته باشد که از یک نسل به نسل دیگر انتقال یافته و اکنون هم به ما رسیده است و من یقین کامل دارم که به نسل های بعدی و بعدی هم انتقال می یابد و تا جهان باقیست، همچنان باقی می ماند.

در این شب و روز شاهد مصداق همین ضرب المثل در کشور به خاک و خون غلتیده خود هستیم و با چشم و سر می بینیم که باردگر، طی یک زد و بند و داد و گرفت دیگر، باز هم یک حکومت معامله گر (50/50) را به میدان آوردند.

عبدالله و غنی باز هم تحت عناوین مختلف و به نام "مردم افغانستان"، حکومت دوسره دیگری را بر گرده مردم سوار کردند که شاید یک فیصد با "حکومت وحدت ملی"، متفاوت باشد. حکومت، همان حکومت است، عبدالله همان، عبدالله است، غنی، همان غنی است، فقط "وحدت ملی" را حذف کردند و یک جنایتکار جنگی شناخته شده را که در حکومت قبلی سترجنرال و معاون اول ریاست جمهوری ساخته بودند، ارتقای رتبه اعزازی دادند و مارشال اش ساختند که اختیارات نظامی او را بعداً عبدالله و کج کلاه تعیین خواهند کرد.

یعنی اینکه عین(ع) و غین(غ)، همان ع و غ اند، حکومت، همان حکومت است، ارگ، همان ارگ است، سپیدار، همان سپیدار است، فقط بجای اسم بی مسمای(ریاست اجرائیه)، اسم بی مسمای دیگری بنام(ریاست شورای صلح) را جاگزین آن ساخته اند، و این بدین معنی که "خر همان، خر است، تنها پالانش نو شده است"، با معذرت از تمام خران زحمت کش و بردبار جهان که قصد توهین به آنان را ندارم و حتی آرزوی توهین به پالان خر را نیز ندارم.

خر عبدالله اما، هنوز هم یک لنگ دارد که "من فرد دوم مملکت هستم" و اختیارات من در حد فرد دوم مملکت است و اقامتگاه من قصر سپیدار و آرگاه و بارگاه و کرچ و کلاه و تشریفات و معاشات و اختیارات من هم فرعون گونه است و...

به یاد داریم که در روزگارانِ نه چندان دور، آنگاه که عفریت جنگ، گلوی کشور محبوب ما را نقش کرده بود، زمانیکه قوم و قوم بازی حرف اول را در کشور نمی زد، آنگاهی که زبانها را نمی بریدند و مغزها را از کاسه سر بیرون نمی کردند، آن زمانها زنده یاد "استاد اولمیر"، با آن آواز گیرا و دلنواز و هردل پسند خود، در رادیو و تلویزیون کشور، ولوله برپا کرده بود و طرفداران زیادی بین مردم افغانستان داشت؛ آهنگ دلنشین و فراموش ناشدنی او تحت نام "دا زمونژ زیبا وطن، دا زمونژ بابا وطن، دا وطن مو خان دی، دا افغانستان"، مانند هر آهنگ دیگر آن روانشاد، سخت به دلها نشسته بود و هر صبح و شام و هر پگاه و بیگاه از رادیو تلویزیون کابل پخش می شد، شوخ مزاجان کابل زمین میگفتند، "اولی که دوم نمی شود، اولمیر است".

اکنون که نه آن روزگار مانده است و نه آن شوخ مزاجان کابل و نه هم کسی را فرصت شوخی باقیست، جاه دارد که، نه از روی شوخی، بلکه با جدیت تمام بگوئیم و بنویسیم که "دوم ای که اول نمی شود، عبدالله است".

این بار سوم یا چهارم است که عبدالله خان با تمام کج کلاه های خود و با تمام حامیان خارجی خود و با تمام مصارف کمر شکن انتخاباتی که از کیسه مردم بخت برگشته افغانستان مصرف کرده است و میکند هنوز، آرزوی داغ نفر اول شدن را مجبور است با خود به گور سرد ببرد و به همان آرگاه و بارگاه تشریفاتی، گویا نفر دوم قناعت کند. هرچند خوب میدانیم که تصمیم گیرنده و ارباب، حتی اختیار تقسیم کردن کشمش- نخود را در آن ویرانه سرا، نه به غنی قائل است و نه به عبدالله و به ریش هردو می خندد.

قسم خوردن های متواتر و عصبانیت های متکاثر، جهت منافع شخصی به طاق نسیان گذاشته شد، تقلبات انتخاباتی فراموش شد، حلف وفاداری دو "رئیس جمهور" در یک کشور و در عین زمان، باد شد و به هوا رفت و آب شد و به زمین فرو رفت، اما صد البته که از اینهمه معامله گری ها و داد و گرفت های پیدا و پنهان، می توان به یک نتیجه منطقی رسید و آنهم اینکه در انتخابات ریاست جمهوری، هر دو طرف بصورت گسترده تقلب کرده بودند. حال وای به حال این ملت و این مردم که چپ و راست از نام شان استفاده ناجائز صورت می گیرد و این آغازادگان تاریخ زده و خدا شرمانده و مردم رانده، بصورت شرم آوری از نام مردم سوء استفاده می کنند.

اینها باید بدانند و خرفهم شوند که لااقل از ده میلیون افراد واجد شرایط رای دهی، کمتر از دو میلیون نفر را جنابان توانستند خریداری کرده و به پای صندوق های رای بکشانند که از آن جمله هم حدود نیم آنها یا از رای سفید کار گرفتند و یا هم رای های مشکوک را به صندوق ها ریختند. در حقیقت شاید کمتر از یک میلیون نفر از نفوس 35 میلیونی افغانستان به بیش از هژده کاندید، رای های خود را چندین و چند بار فروخته باشند.

این جمع نامتجانس و متلون المزاج را باید در مغز های گندیده و ته مانده شان فرو کرد که:
" نه گل باند و نه کدو، خاک بر سر هردو".

میگویند متباقی مردم افغانستان در گرماگرم رای دهی و رای خری و رای فروشی، بین خود می گفتند که:

"سگ زرد، برادر شغال"

